



کنش اصلاح طلبی در نظام هیبریدی
گفتاری از **محسن آرمین** درباره مبانی نظری سیاست‌ورزی در شرایط محدود



«پیروز» قربانی یک تکه پلاستیک
گفت‌وگو با **حسن اکبری** معاون سازمان محیط زیست درباره سرنوشت بچه یوز



تاویانی‌ها تمام شدند
پائولو تاویانی از مهمترین فیلمسازان ایتالیا در ۹۲ سالگی درگذشت



هفتادسالگی دو شهردار
درباره سرنوشت متفاوت **غلامحسین کرباسچی** و **رجب طیب اردوغان**

سرمقاله

نمره خالص سازی

روز موعود فرا رسید و ۱۱ اسفند را پشت سر گذاشتیم. از امروز خیلی‌ها دچار دلهره می‌شوند. هرکس از زاویه‌ای؛ و البته مردم عادی از این جهت نگران هستند که شاید پس از ۱۱ اسفند فشارها شدیدتر شود. چون روز انتخابات تمام شده است. این نشت در مسئله قیمت‌ها و رشد تورم، در مواجهه با زنان و در سایر حوزه‌ها قابل انتظار است. به‌ویژه آنکه مجلس هم ناپایدار و بیرون از مأموریت نظارتی نیم‌بند کنونی با دولت خواهد شد و هرکسی سرش به کار خودش گرم می‌شود. البته سیاسیون حکومتی نیز هرکدام نگرانی خاص خود را دارند. عده‌ای که تازه نفس می‌آیند دنبال جا یا باز کردن و جبران مافات و تامین هزینه‌های انتخاباتی هستند. بازندگان نیز می‌روند دنبال زندگی تا انتخاباتی دیگر و با شعارهای تندتر و برنامه‌های جذاب‌تر بیایند. البته این گروه نگرانی دیگری هم دارند که چگونه می‌توانند هزینه‌های صرف‌شده را جبران کنند، بدون اینکه نماینده شده باشند یا چگونه برای خود شغل مناسبی پیدا کنند که مغایر با شئون نمایندگی قبلی آنان نباشد. اگر از این بخش ماجرا بگذریم، این انتخابات بهترین زمان برای به ثمر رسیدن بذرهای انحصار و «خالص سازی» بود؛ بزرهایی که از گذشته‌های دور کاشته و به‌صورت استصوابی آبیاری شده بود و در سال ۹۸ و ۱۴۰۰ رشد کرد و به بلوغ رسید و اکنون میوه آن به ثمر نرسیده است. میوه آن جنگ قدرت میان نیروهای خالص شد؛ جنگی تمام‌عیار؛ که حتی اتهام تقلب‌های احتمالی هم به یکدیگر زدند و البته این جنگ در آغاز راه است؛ جنگی که با افشاشگری‌های پیاپی آغاز شده و توهین‌ها و تحقیرهای فراوانی علیه یکدیگر روا داشتند. جنگی که بازنده اصلی آن تعدادی از جوانان اصولگرایی بودند که ساده‌انگانه گمان می‌کردند، مورد توجه و احترام هستند، ولی تنها افتخاری که نصیب آنان شد، در حد «پاجوش درخت چنار» بود. آنان حس کردند که احتمالاً مثل دستمال کاغذی مصرف شده‌اند و اکنون باید دور انداخته شوند. آسانی که گمان می‌کردند حضور در لیست انتخاباتی مستلزم داشتن صلاحیت‌های حرفه‌ای و سیاسی است؛ حالا متوجه شده‌اند منشی‌ها و کیف‌کش‌های افراد شاخص است که در لیست قرار گرفته‌اند. آنان که گمان می‌کردند، مبنای ائتلاف لیست‌ها، صلاحیت‌های فکری و اخلاقی است، حالا متوجه شده‌اند که نه اشتراک فکری مهم است و نه سلامت رفتاری. فقط تعلقات نسبی و سببی و قومی و گروهی و تقسیم صندلی‌ها مبنای کار است. گمان می‌کردند که باید برای عدالت کوشید، متوجه شدند که عدالت فقط یکی از قربانیان این نوع سیاست‌بازی اصولگرایانه است. متوجه شدند که انتخابات مصادق «افتخابه‌لگن صد دست، شام و ناهار هیجی» شده است. چند ماه درگیر رد و تایید صلاحیت این‌ها و آن بودند. چند روز هم درگیر تشکیل لیست در پشت درهای بسته و سه چهار روز هم بخش پوستر و فعالیت‌های توهین‌آمیز در فضای مجازی علیه یکدیگر و دروغ از یک خط یا گزاره درباره مشکلات مردم و راه‌حل آن. این انتخابات نشان داد که بالاخره نهال خالص‌سازی به بار نشست و اکنون به اندازه‌ای بزرگ شده است که «چنار غیر مثمر» با «چند پاجوش بی‌خاصیت» و یک مجموعه از افشاشگری‌ها و توهین‌ها و اتهامات بدون پاسخ را بتوان به‌عنوان میوه نهایی آن معرفی کرد.

این انتخابات نشان داد که این رای‌دهندگان نیز از خواب خوش‌بینی سال ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ بیدار شده‌اند و با آرای پراکنده و متشتت و غیرلیستی، ناامیدانه می‌کوشند افرادی معتبر را به مجلس بفرستند که شاید در لیست‌های اصولگرا معرفی نشده‌اند. ولی چه فایده که این کار به نتیجه نمی‌رسد، زیرا بیرون داد نهایی مجلس را نه افراد؛ بلکه احزاب می‌سازند. اگر در سال ۱۳۹۸ یک ائتلاف شناسنامه‌دار اصولگرا اکثریت قاطع اندک شرکت‌کنندگان را به دست آورد و طی چهار سال هیچ کاری نتوانست بکند، اکنون چندین گروه بی‌شناسنامه وارد مجلس می‌شوند؛ و هرکدام مثل گوشت قربانی آن رابه سود خواهند کشید.



البرز، تهران و گیلان کمترین رای‌دهندگان را داشتند

گزارش انتخابات ۲۳

حضور و غیاب

آخرین برآوردها از مشارکت حدود ۴۰ درصدی رای‌دهندگان در کل کشور حکایت دارد

سیل تخریب‌گر
بررسی حادثه سیستان و بلوچستان و درخواست مولوی عبدالحمید برای توجه مسئولان

پیگیری حادثه ۲۳